نوع مقاله: پژوهشی

واکنش‌های اولیه کلیسای کاتولیک در قبال نظریه «تکامل»

یاسر ابوزاده گتابی/ دکترای ادیان و عرفان مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ؒ
y.a.g@chmail.ir orcid.org/0000-0002-0793-1321
سیدعلی حسنی آملی/ دانشیار گروه ادیان و عرفان مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ؒ seyedAli5@Gmail.com
دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۱/۱۲/۰۲ https://creativecommons.org/licenses /by-nc /4.0

چکیده

انتشار اولین اثر تکاملی داروین در زمان صدارت پیوس نهم در مسند پاپی و در عصر اقبال عمومی دانشمندان غربی به جریان‌های نوین علمی و نظرات او راجع به پیدایش و تطور گونه‌های حیاتی و چگونگی شکل‌گیری نسل اولیه بشر، چالشی جدی در مقابل الهیات مسیحی ایجاد نمود. تشکیل شورای کلن آلمان، شورای اول واتیکان و انتشار نشریه «تمدن کاتولیک» که با حمایت پاپ صورت گرفت، اولین واکنش‌های کلیسای کاتولیک در مقابل جریان تکامل‌گرایی محسوب می‌شود. این نوشتار که با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی گردآوری شده، درصدد است تا با معرفی و تبیین این سه واکنش و همچنین ارائه بازخوردهای حاصل از این واکنش‌ها، به نحوه دفاع اولیه این سه جریان کاتولیکی در مقابل جریان تکامل‌گرایی اشاره نموده، میزان تأثیرگذاری آنها در الهیات کنونی کلیسای کاتولیک را بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: کلیسای کاتولیک، تکامل، پاپ پیوس نهم، شورای کلن، شورای اول واتیکان، نشریه تمدن کاتولیک.

مقدمه

پس از «نهضت اصلاح دینی» (Reformation)، «جنبش روشنگری» (Enlightenment) و تداوم پیشرفت‌های بزرگ علمی که از قرن ۱۸ میلادی آغاز شده بود، موجب گردید تا در نهایت، قرن نوزدهم شاهد رشد روزافزون رشته‌های گوناگون علمی (همچون باستان‌شناسی، زمین‌شناسی و زیست‌شناسی) باشد. این در حالی است که اکتشافات و تحقیقات علمی روز به روز بر گستردگی، پیچیدگی و بالندگی مباحث علمی می‌افزود. این کلیسای کاتولیک بود که می‌بایست در مقابل این موج گسترده، واکنش درخور نشان دهد. ازاین‌رو تبیین رابطه علم و دین به یکی از دغدغه‌های اصلی الهی‌دانان تبدیل شد.

در این میانه و در سال ۱۸۵۹ انتشار کتاب ***منشأ انواع داروین*** و استقبال دانشمندان علوم تجربی از این اثر و به‌تبع آن تأثیرات نظرات تکاملی *داروین* بر الهیات مسیحی، کلیسای کاتولیک را بر آن داشت تا در مقابل این نظریه واکنش مطلوبی نشان دهد. البته ناگفته نماند که تا سال ۱۹۹۸ و قبل از بازگشایی بایگانی‌های کلیسای کاتولیک، اطلاعات چندانی از رویکرد کلیسا در قبال تکامل‌گرایی در دسترس نبود، لیکن پس از این تاریخ و کسب اجازه برای دسترسی به اسناد بایگانی، محققان و الهی‌دانان مسیحی ضمن بررسی این اسناد توانستند از رویکردهای مختلفی که از سوی کلیسا و از ابتدای شکل‌گیری نظریات تکاملی اتخاذ شده بود، آگاهی یابند (آرتیگاس، ۲۰۰۶، ص ۲؛ هریسون، ۲۰۰۱).

با توجه به اینکه تاکنون اثری به زبان فارسی در این موضوع نگارش نشده، این نوشتار درصدد است تا با رویکردی «توصیفی ـ تحلیلی» ضمن بررسی مستندات کتابخانه‌ای، واکنش‌های اولیه‌ای را که از سوی کاتولیک‌ها و در قبال تکامل‌گرایی ارائه شده است تبیین نماید. محققان اولین اقدامات کاتولیک‌ها در مقابل جریان «تکامل‌گرایی» را صریح‌ترین اقدامات صورت‌گرفته در قبال این جریان معرفی می‌کنند. بدین‌روی، تبیین و بررسی این اقدامات و همچنین تبیین نحوه تعامل کاتولیک‌ها با چنین اقداماتی درخور توجه است و هدف از انجام این پژوهش را مشخص می‌سازد.

ازاین‌رو هدف اصلی این نوشتار پاسخ به این سؤال است که رویکرد اولیه کلیسای کاتولیک در قبال تکامل‌گرایی چه بوده است؟

۱. دوره پاپ پیوس نهم

جیوانی ماریا ماستای فرتی (Giovanni Maria Mastai Ferretti) معروف به «پیوس نهم» (Pius IX)، پاپی که طولانی‌ترین دوره پاپی در تاریخ کلیسای کاتولیک روم را داشت (۱۷۹۳–۱۸۷۸)، در برهه‌ای عهده‌دار این مسئولیت شد که جامعه اروپا درگیر جریان‌های متعددی، همچون انقلاب‌های سیاسی، لیبرالیسم، خردگرایی، دین‌ستیزی و ظهور نظراتی همچون «تکامل‌گرایی» و داروینیسم بود. در چنین شرایطی وی با انتشار سندی با عنوان ***فهرست خطاها*** (Syllabus of Errors) کاتولیک‌ها را از ورود به چالش‌های عصر جدید برحذر داشت (موریسون، ۱۹۵۱، ص ۴۷ـ۴۸؛ هس، ۲۰۰۸، ص ۷۴ـ۷۵؛ روس، ۲۰۱۳، ص ۴۸۵).

از منظر این پاپ، تفکرات *داروین* و پیروان او انحرافی در علم محسوب می‌شود که با تاریخ خلقت، سنت‌های مطابق با عرف عمومی، واقعیت‌های عینی و حتی عقل منافات دارد. به باور او، نظریات تکاملی به‌مثابه چالش مهمی برای ایمان (فای اولسن، ۲۰۱۰، ص ۱۳۹)، همچون افسانه‌ای خارق‌العاده است که اگر جهان امروزی غرق در مادیات و فساد نشده بود، توجه چندانی بدان نمی‌شد (همان، ص ۲۹).

بدین‌روی پاپ با حمایت از تشکیل شورای کلن و شورای اول واتیکان و همچنین حمایت از راه‌اندازی نشریه‌ای به نام ***تمدن کاتولیک*** به تقابل با هجمه‌های دنیای امروزی و به‌طور خاص تبعات الهیاتی نظریه «تکامل» همت گماشت که در این نوشتار به بررسی این اقدامات اشاره خواهد شد.

۱ـ۱. شورای کلن

در سال ۱۸۵۹ و به فاصله شش ماه پس از انتشار کتاب ***منشأ انواع*** *داروین* و ترجمه آن به زبان آلمانی، اولین واکنش دنیای مسیحیت کاتولیک در استان کلن آلمان به وقوع پیوست (کونگ، ۲۰۰۸، ص ۹۱). پس از آنکه *داروین* در این کتاب، سازوکارهای انتخاب طبیعی را به کل دنیای جانداران گسترش داد و ادعا نمود رویکردی که او در این کتاب اتخاذ کرده است «منشأ انسان و تاریخ او را روشن خواهد ساخت» (داروین، ۱۹۰۹، ص X و ۴۳۲)، اسقف اعظم کلن *کاردینال یوهانس فون گایسل* (Johannes von Geissel)، از مقر پاپی درخواست نمود تا اجازه تشکیل یک شورای مذهبی در استان کلن را به وی واگذار کند. با اعلام رضایت رسمی *پاپ پیوس نهم* و فراهم شدن مقدمات تشکیل شورا، اسقف اعظم کلن در فاصله ۲۹ آوریل تا ۱۷ مه سال ۱۸۶۰م این نشست شورایی را برگزار نمود (چابرک، ۲۰۱۵، ص ۵۲ـ۵۳)؛ شورایی که به باور برخی، صریح‌ترین واکنش دنیای کاتولیک در مقابل جریان «تکامل‌گرایی» تا به امروز محسوب می‌شود (نایمن، ۲۰۱۵، ص ۵؛ آرتیگاس، ۲۰۰۶، ص ۲۱).

شورای کلن پنج جلسه عمومی تشکیل داد که در نشست‌های آن رهبران چهار قلمرو اسقفی استان کلن، مسئولان مدارس دینی، نمایندگان دانشگاه‌ها و چند اسقف و شخصیت مذهبی حضور داشتند. نتایج این نشست‌ها در قالب ۲۵۰ صفحه سند در دو قسمت تنظیم و برای تأیید رسمی به رم ارسال شد. قسمت اول دربردارنده مباحثی در رابطه با آموزه‌های کاتولیک، در قالب عناوینی همچون: دین و ایمان، خدای یگانه و تثلیث اشخاص، خلقت، انسان، مسیح به‌مثابه رهاننده نژاد بشر، کلیسای مسیح، فیض، آیین‌های مذهبی و زندگی آینده بود، و در قسمت دوم به آیین‌نامه‌های کلیسایی اشاره شده است.

پاپ پیوس نهم در پاسخ به این درخواست، همه مطالب ارسالی را به مرجع مسئول این کار، یعنی جماعت شوراها، ابلاغ نمود. *کاردینال کاترینی*، رئیس جماعت شوراهای کلیسای واتیکان، یک سال و نیم بعد در ۱۹ دسامبر ۱۸۶۱، ضمن تمجید از عملکرد شورای کلن و ارسال چند یادداشت، به نامه *کاردینال گایسل* پاسخ داد. *پاپ پیوس نهم* نیز در آوریل ۱۸۶۲ ضمن تقدیر از نتایج به‌دست‌آمده، پاسخ مکتوب خود را ارسال نمود. پس از پذیرش رسمی مقر پاپی، *کاردینال فون گایسل* احکام و نتایج مندرج در آیین‌نامه شورا را در ژوئیه ۱۸۶۲ به طور علنی اعلام نمود (آرتیگاس، ۲۰۰۶، ص ۲۲ـ۲۳).

آنچه در این شورا و در رابطه با ادعاهای تکامل‌گرایانه *داروین* مدنظر همگان قرار گرفت، سند چهارم از قسمت آموزه‌ها بود که به موضوع «انسان» (De Homine) اشاره داشت (چابرک، ۲۰۱۵، ص ۵۳). این سند از چهار فصل تشکیل شده است که فصل اول با عنوان «درباره منشأ نژاد بشر و طبیعت انسانی» (De humani generis origine hominisque natura) با این عبارات آغاز می‌شود:

اولین والدین ما مستقیماً توسط خدا آفریده شده‌اند. بنابراین اعلام می‌کنیم نظر آنهایی که نمی‌ترسند ادعا کنند که این انسان از منظر بدن مادی‌اش، در نهایت از تغییر مداوم و به صورت خود به خودی، از طبیعتی ناقص به طبیعتی کامل‌تر پدید آمده، آشکارا مخالف کتاب مقدس و ایمان است (کارسون، ۲۰۰۳، ص ۴۹۶).

با توجه به اینکه موضوع «تکامل» جذاب‌ترین موضوع در محافل علمی اروپا در آن دوره بود، و نظر به اینکه ادعاهای *داروین* به سرعت در سراسر اروپا انتشار می‌یافت، تعریف اعتقادی ارائه‌شده توسط این شورا و به‌تبع آن، پذیرش بی‌چون و چرای مقر پاپی، به نوعی نشان‌دهنده عدم پذیرش تکاملی بودن بدن اولین انسان‌ها از سوی کلیسای کاتولیک است (چابرک، ۲۰۱۵، ص ۵۳).

با این وجود، در دهه‌های بعدی، هیچ اقدام مؤثری در حمایت از این شورا و مصوبات آن توسط مجامع رسمی کلیسای کاتولیک صورت نگرفت و عملاً پس از انتشار بخشنامه «نژاد بشر» (Humani Generis) *پاپ پیوس دوازدهم* در سال ۱۹۵۰، بیانیه کلن به مرور زمان از اذهان محو شده است (همان، ص ۵۵).

به نظر می‌رسد علت این نکته نیز به خاطر ماهیت بخشنامه نژاد بشر باشد؛ زیرا این بخشنامه با اعطای مجوز به علم، به‌مثابه یک منبع صالح برای تبیین منشأ شکل‌گیری نسل بشر، راه را برای ورود رسمی نظرات تکامل‌گرایانه در آراء الهیاتی کاتولیک‌ها هموار ساخته است (هفت، ۲۰۰۸)، به‌گونه‌ای‌که تصور عموم کاتولیک‌ها از بخشنامه پاپ این بود که او تفاسیر تکاملی درباره منشأ انسان را پذیرفته است (ولترز، ۲۰۰۹؛ بلنکه، ۲۰۱۳).

۲-۱. شورای اول واتیکان

در سال ۱۸۶۸ *پاپ پیوس نهم* فرمان تشکیل اولین شورای واتیکان را صادر نمود؛ فرمانی که از آن با عنوان «Aeterni Patris» به معنای «پدر ابدی» یاد می‌شود. او پنج گروه از پدران کلیسایی را که از معتمدترین الهی‌دانان خبره محسوب می‌شدند، مأمور تشکیل پنج کمیته نمود تا وظیفه تهیه پیش‌نویس مباحث شورا (اعم از مباحثی درباره ایمان، ساختارهای کلیسایی، دستورات دینی و امور سیاسی) را برعهده بگیرند. حاصل تلاش این کمیته‌ها در نهایت در ۵۱ سند گردآوری شد تا طی جلساتی یک‌به‌یک مورد بحث قرار گیرد و درباره آنها قضاوت شود.

لیکن جلسات شورا پس از برگزاری چهارمین جلسه رسمی (در ۱۸ ژوئیه ۱۸۷۰م)، به علت حمله فرانسه به پروس و به دنبال آن حمله ایتالیا به کشورهای تحت سلطه پاپ، متوقف شد (الن، ۲۰۱۶). در نهایت، شورا توانست صرفاً دو سند مهم را به تصویب برساند: یک سند درباره ایمان کاتولیکی با عنوان «Dei Filius» به معنای «پسر خدا» و یک سند درباره اعتقاد به عصمت پاپ (چابرک، ۲۰۱۵، ص ۶۰).

سند اول که در آن به مسئله «تکامل» اشاره شده، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا هم به‌طور خلاصه به موضوع خلقت اشاره نموده است؛ آنجا که می‌گوید:

این تنها خدای واقعی است... با بیشترین اراده آزاد. مستقیماً از آغاز زمان، هر موجودی را از هیچ، معنوی و جسمی (یعنی فرشته‌ای و دنیوی) به وجود می‌آورد و سپس انسان را که به‌طور یکسان از روح و بدن تشکیل شده است، خلق می‌کند (الن، ۲۰۱۲، ص ٤٥؛ مانینگ، ۱۸۷۱، ص ۲۰۹).

و هم اینکه با ذکر چند لعن صریح، تکامل‌گرایان را تکفیر نموده است:

اگر کسی اقرار نکند که جهان و همه چیزهایی که در آن است،... مطابق کل ماده آنها، از چیزی غیر از خدا به وجود آمده است یا معتقد شود که خداوند با اراده خود، بدون هرگونه اجباری، عمل خلقت را انجام نداده است، بلکه به همان اجبار نیز رضایت دارد یا انکار کند که جهان برای جلال خدا ایجاد شده است، اجازه دهید او لعن و تکفیر شود (الن، ۲۰۱٦؛ همو، ۲۰۱۲، ص ۵۰).

محققان کاتولیک بر این باور بودند که این سندْ تکامل‌گرایان را با سه چالش جدی مواجه می‌سازد (چابرک، ۲۰۱۵، ص ۶۱):

۱. این سند متذکر می‌شود که موجودات، با تمام اجزایشان، مستقیماً توسط خدا خلق می‌شوند؛ یعنی هیچ موجودی، بجز خود خدا، قدرت بر خلقت ندارد و آفرینش هر ماده جدید (یعنی نوع جدیدی از موجود) به‌طور کامل و مستقیماً توسط خداوند انجام می‌شود. بنابراین، نه‌تنها اولین ماده و قوانین طبیعت توسط خداوند خلق شده است، بلکه تنوع امور نیز توسط او شکل گرفته است. البته مراد از این نکته رد علل ثانوی نیست؛ زیرا بسیاری از موجودات مستقیماً توسط خداوند شکل نگرفته‌اند، بلکه از طریق عللی ثانوی مانند توالد و تناسل به وجود آمده‌اند. با این حال همین توالد و تناسل طبیعت جدیدی ایجاد نمی‌کند، بلکه صرفاً طبیعت‌هایی را که خداوند در ابتدا از هیچ آفریده بود، منتقل می‌کند.

۲. این نکته که خداوند در آفرینش کاملاً آزاد است و او از روی هیچ ضرورت یا اجباری دست به آفرینش نمی‌زند، با نظر تکامل‌گرایان خداباور در تضاد است. تکامل‌گرایان بر این باورند که این قوانین طبیعت (و یا همان جبر طبیعت) است که منشأ گونه‌ها را تعیین می‌کند.

۳. بر مبنای اعتقاد مسیحیان، آفرینش جهان نشان‌دهنده جلال الهی است و ازاین‌رو جهان با تمام شگفتی‌ها و زیبایی‌هایش بیانگر حکمت و خیرخواهی خداوند است. اما جهانی که مطابق اصول تکاملی ساخته شده، نمودی از یک مبارزه مداوم بین همه موجودات است. مرگ و ویرانی در مقیاس گسترده، همیشه وجود دارد تا به آهستگی موجودات جدید رشد کنند. بنابراین زندگی محصول جبر و شانس است و نه حکمت و خیرخواهی خدا.

علاوه بر این سند، در یکی از پیش‌نویس‌های منتسب به این شورا با نام «درباره آموزه کاتولیک» (De catholica doctrina) نیز مطالب مهمی در تأیید گزارش‌های کتاب مقدس در رابطه با خلقت مستقیم انسان از غبار زمین، آفرینش مستقیم روح انسان توسط خداوند، و آفرینش اولین زن ـ از پهلوی آدم ـ صرفاً به واسطه

قدرت خدا، وجود داشت که به علت تعطیل شدن نشست‌های شورا، بررسی نشد. در این پیش‌نویس آمده است (چابرک، ۲۰۱۵، ص ۶۲):

این کلیسا، مادر مقدس ما، معتقد است و می‌آموزد: هنگامی که خدا می‌خواست انسان را مطابق تصویر و شباهت خود خلق کند تا بتواند بر کل زمین فرمانروایی کند، او به بدن ساخته شده از لجن زمین روح دمید. روح زندگی یعنی: روح تولید شده از هیچ... خدا به اولین مرد و همسرش حوا ـ که با قدرت الهی از پهلوی او شکل گرفته بود ـ برکت داد. خداوند فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همهٔ حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید (پیدایش ۱: ۲۸).

با وجود این نکات می‌توان نتیجه گرفت که هدف شورای اول واتیکان این بوده که دیدگاه تکامل انسان از حیوانات پایین‌تر را رد نموده و بر آموزه‌های سنتی کتاب مقدس ـ که همان خلقت مستقیم و بی‌واسطه نسل بشر است ـ تأکید ورزد. لیکن ـ همان‌گونه که اشاره خواهد شد ـ مصوبات شورای اول واتیکان نیز به سرنوشتی مشابه مصوبات شورای کلن دچار گردید و به مرور زمان به بوته فراموشی سپرده شد.

۳ـ۱. نشریه کاتولیکی «تمدن کاتولیک»

با شکل‌گیری انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ در کشورهای اروپایی، از جمله کشورهای تحت سلطه پاپ و سقوط موقت حکومت پاپی، *پاپ پیوس نهم* رم را ترک نمود و به مقرِ پادشاهیِ ناپل عزیمت کرد. علت این نکته نیز آن بود که *فردریک دوم* (پادشاه ناپل) از حامیان پاپ بود. در طول مدت اقامت پاپ در ناپل، تفکرات آزادیخواهانه و لیبرال مسلک انقلابیان به سرعت در حال گسترش بود.

در چنین شرایطی الهی‌دان معروفِ «ژزوئیت»، *کارلو ماریا کورچی* (Carlo Maria Curci) به پاپ پیشنهاد داد تا برای دفاع از فرهنگ و الهیات کاتولیک، نشریه‌ای در ناپل منتشر شود (رامیرس، ۲۰۱۹، ص ۱۰۲). در نتیجه نشریه ***تمدن کاتولیک*** (*CC*) ***La Civiltà Cattolica*** با حمایت بی‌قید و شرطِ شخصِ پاپ شروع به انتشار نمود (لوگان، ۲۰۰۴؛ برونداز، ۲۰۰۱). اولین شماره این نشریه در ۶ آوریل ۱۸۵۰م در ناپل منتشر شد و بعد از عزیمت مجدد پاپ به رم، دفتر این نشریه نیز به رم نقل مکان کرد.

با توجه به اینکه این نشریه با حمایت کامل نهاد پاپی منتشر می‌شد، بررسی مطالب مندرج در آن بر عهده مسئولان کلیسایی بود. ازاین‌رو هر شماره از مجله برای اخذ تأییدیه، به دبیرخانه واتیکان ارسال می‌شد تا درباره انطباق مطالب آن با آموزه‌های ایمانی و اخلاقی کلیسا اطمینان حاصل شود (دال، ۲۰۰۳).

از سال ۱۸۶۰ و با شیوع تفکرات تکاملی، این نشریه در دفاع از آموزه‌های کاتولیکی، سلسله‌وار اقدام به چاپ و نشر مقالاتی علیه مواضع تکامل‌گرایان و همچنین بازنشر نوشته‌های تکامل‌گرایان به انگیزه نقد آنها مبادرت نمود (برونداز، ۲۰۰۱؛ آرتیگاس، ۲۰۰۶، ص ۲۷). برای مثال، درخصوص پرونده افرادی همچون *بونوملی*، *لروی*، و *جان زام* به فاصله کمتر از هشت ماه سه مقاله مهم و جنجال‌برانگیز، درباره آنها و چگونگی برخورد کلیسا با ایشان، در

این نشریه انتشار یافت. این افراد در زمره الهی‌دانانی بودند که ضمن پذیرش رویکردهای تکاملی، آثاری در تأیید تکامل و عدم تناقض آن با رویکردهای سنتی کلیسا تدوین نمودند (ر.ک: کلامپنهاور، ۲۰۱۱، ص ۱۳؛ زام، ۱۸۹۶، ص ۴۳۵–۴۳۸؛ برووندل، ۲۰۰۱).

واکنش کلیسا نیز در مقابل این‌گونه اقدامات در نشریه ***تمدن کاتولیک*** منتشر می‌شد. به نظر می‌رسد مسئولان این نشریه به دنبال آن بودند تا پیام نارضایتی کلیسا از هر تلاشی را که منجر به آشتی آیین کاتولیک با نظرات تکامل‌گرایان می‌شود، به همه مخاطبانشان منتقل کنند (بلنکه، ۲۰۱۳). گرچه این نشریه در برخی از موارد، مطالب نادرستی نیز منتشر می‌کرد (زام، ۱۸۹۶، ص ۳۵۲ــ۳۶۷)، لیکن سال‌ها یکی از منابع برای معرفی و شناخت رویکردهای الهیاتی کاتولیک‌ها به شمار می‌آمد (آرتیگاس، ۲۰۰۶، ص ۳۰).

۲. تحلیل و بررسی

از زمان پیدایش آیین مسیحیت و بر مبنای داده‌های کتاب مقدس، این اعتقاد وجود داشت که نوع بشر از یک زوج اولیه که مستقیماً توسط خداوند آفریده شده‌اند، شکل گرفته است. لیکن با رویکرد تکاملی که *داروین* در سال ۱۸۵۹ و در کتاب خود اعلام نمود، دیدگاه کتاب مقدس درباره خلقت به چالش کشیده شد (چابرک، ۲۰۲۲).

در نتیجه با توجه به تنش صریح این‌دو رویکرد درخصوص منشأ نسل بشر، برخی از محققان و الهی‌دانان کاتولیک درصدد دفاع همه‌جانبه از رویکرد کتاب مقدس برآمدند و ـ همان‌گونه که اشاره شد ـ سه واکنش ویژه از سوی افراد و مجامع کلیسایی در عصر *پاپ پیوس نهم* به وقوع پیوست، لیکن به عللی هیچ‌یک از این عملکردها در کلیسای کاتولیک ماندگار نشد و به تدریج زمان جای خود را به رویکرد تعامل با جریان تکامل‌گرایی داد؛ زیرا از سال ۱۹۵۰ میلادی که *پاپ پیوس دوازدهم* اجازه تحقیقات علمی درباره منشأ تکاملی نوع بشر را صادر نمود (هفت، ۲۰۰۸)، به مرور زمان، جریانات تکامل‌گرایی که در بطن کلیسای کاتولیک شکل گرفته بودند، به دفاع از این رویکرد و منافات نداشتن آن با آموزه‌های کتاب مقدس پرداختند، به‌گونه‌ای‌که امروزه کلیسای کاتولیک را از مدافعان فرضیه ـ یا به تعبیر *پاپ ژان پل دوم* «نظریه» ـ «تکامل‌گرایی» محسوب می‌کنند (فلمن، ۲۰۱۶).

حال سؤال این است که علت و یا عللی که موجب شد هیچ‌یک از اقدامات اولیه مجامع کلیسایی بادوام نباشد، چیست؟ بررسی بازخوردها به سه اقدام فوق، پاسخ را روشن خواهد ساخت.

۲ـ۱. بررسی شورای کلن

با وجود آنچه ذکر شد، تشکیل شورای استانی کلن با فرمان پاپ و مصوبات آن، در نهایت مورد تأیید نهاد پاپی قرار گرفت (آرنولد، ۲۰۱۰)، لیکن درباره میزان اعتبارِ تصمیمات این شورا و صراحت یا عدم صراحت مصوبات آن اختلاف‌نظر وجود دارد:

اولاً، درباره میزان اعتبار این شورا باید گفت: در چنین مواردی تأیید واتیکان یک شاهد معتبر از یک مقام بالاتر

محسوب می‌شود، مبنی بر اینکه یک سلسله تشریفات قانونی صورت گرفته به صورتی رسمی برگزار شده و هیچ‌چیز قابل سرزنش (سانسور)، در بررسی احکام آن پیدا نشده است. امروزه نیز چنین تشریفاتی برای تصمیمات یک شورا اعمال می‌شود، لیکن مشکل بیانیه کلن است. تعریفی که این بیانیه از «ایمان» ارائه داده کاری است که عمدتاً به عهده شوراهای جهانی یا بیانیه‌های پاپی (ex cathedra) است و ازاین‌رو این‌گونه شوراها (شوراهای محلی و یا استانی) حق ورود به مباحث مرتبط با ایمان کلیسایی را ندارند (چابرک، ۲۰۱۵، ص ۵۵).

ثانیاً، طرفداران «تکامل‌گرایی» از اوایل دهه ۱۸۹۰، بر این باورند که فحوای عباراتی که در بیانیه این شورا آمده است با ادعاهای آنان منافاتی ندارد. به باور آنها عبارت «خود به خودی» (spont anea) که در این بیانیه آمده، صرفاً ردکننده آن دسته از مفاهیم تکاملی است که همکاری الهی را در روند تکامل نادیده می‌گیرد ـ یعنی آنچه مدعای تکامل‌گرایان ملحد است ـ و ازاین‌رو این شورا با رویکرد تکامل‌گرایان خداباور مشکلی ندارد (هس، ۲۰۰۸، ص ۷۳ـ۷۴؛ آرتیگاس، ۲۰۰۶، ص ۲۳).

چنین بازتفسیری از بیانیه کلن سبب شد تا برخی از چهره‌های الهیاتی آن دوره، همچون *دلماس لروی*، *جام آگوستین زام*، *هنری دروادت*، و *جان اُ. برین* بیانیه کلن را ـ با وجود اینکه تنها سند رسمی یک کلیسا در موضوع تکامل بود ـ نادیده بگیرند (آرتیگاس، ۲۰۰۶، ص ۲۳؛ زام، ۱۸۹۶، ص ۳۱۲ـ۳۱۳).

در مقابل این رویکرد، افرادی همچون *ارنست مسنجر* در سال ۱۹۳۲ کوشیدند تا با تفکیک میان جنبه روحانی و جسمانی بشر و ارائه تفسیری جدید، از این بیانیه دفاع کنند. به باور او، اگر روند تکامل به صورت کاملاً خود به خودی نباشد، آباء کلیسا شکل‌گیری تکاملی جسم انسان را محکوم نمی‌کنند. در واقع او بر این باور است که اشکالی ندارد که جسم انسان از طریق علل ثانوی شکل گرفته باشد، لیکن روح او باید مستقیماً از جانب خدا افاضه شده باشد (مسنجر، ۱۹۳۲، ص ۲۲۶ـ۲۲۷).

اما خود این تفسیر و تفاسیر مشابه موجب بروز اختلافات دیگری شد؛ زیرا این‌گونه تفاسیر با تفکرات مونیستی افرادی همچون *ارنست هکل* که روح را صرفاً ابزاری مکانیکی تلقی می‌کردند، سازگاری داشت (ر.ک: چابرک، ۲۰۱۵، ص ۵۷ـ۵۸؛ هولت، ۱۹۷۱).

به نظر می‌رسد اشکالاتی که هم بر اعتبار و هم مصوبات شورا وارد شده، در کمرنگ شدن آثار الهیاتی این شورا تأثیر بسزایی داشته است. علاوه بر این شاهدی مبنی بر حمایت دائمی کلیسای کاتولیک از مصوبات این شورا در منابع تاریخی مشاهده نشده است.

۲ـ۲. بررسی شورای اول واتیکان

گرچه شورای اول واتیکان و مصوبات آن در میان اسناد کلیسایی باید از جایگاه مهمی برخوردار باشد، لیکن به چند دلیل سرنوشتی مشابه شورای کلن برای این شورا رقم خورد:

اول. نکاتی که به‌مثابه چالش تکامل‌گرایی مطرح گردید، از جانب تکامل‌گرایان خداباور پاسخ داده شد (چابرک، ۲۰۱۵، ص ۶۱):

ـ اولین چالش مطرح‌شده تکامل‌گرایان ملحد را با مشکل مواجه می‌سازد، اما تکامل‌گرایان خداباور را خیر؛ زیرا آنها در خلقت همه چیز توسط خداوند شکی ندارند، لیکن ادعا می‌کنند که این نکته به آن معنا نیست که همه چیز لزوماً و به صورت مستقیم توسط او پدید آمده باشد. بنابراین آنها معتقدند: مشارکت تکامل در خلقت با متن بیانیه شورا اختلاف ندارد.

ـ تکامل‌گرایان خداباور در مخالفت با چالش دوم معتقدند: همان‌گونه که خداوند سازنده قوانین طبیعی است، می‌توان نتیجه گرفت که آفرینش موجودات مطابق با این قوانین هنوز بیانگر اراده آزاد اوست و ازاین‌رو جبر ادعایی صحت ندارد.

ـ تکامل‌گرایان خداباور درباره چالش سوم نیز بر مبنای اعتقادات مسیحی توجیهاتی مطرح ساخته‌اند. به باور آنان، چون جهان تحت تأثیر گناه قرار دارد، «مبارزه برای زندگی» نیز ممکن است نتیجه آن باشد. ازاین‌رو مبارزه برای زندگی با حکمت آفرینش در تضاد نخواهد بود.

دوم. درباره پیش‌نویس مطرح‌شده نیز باید گفت: با وجود صراحت لهجه‌ای که در این پیش‌نویس وجود دارد، از ارزش آموزه‌ای برخوردار نیست؛ زیرا پیش‌نویسی که توسط شورا تصویب نشود، هیچ قدرت الزام‌آوری ندارد (الن، ۲۰۱۲، ص ۴۴).

سوم. گرچه به نظر می‌رسید که این سند شورایی بتواند به نوعی با تکامل‌گرایی (به معنای ظهور نهادهای کاملاً جدید از موجوداتی که قبلاً وجود داشتند) مخالفت کند، لیکن این اشکال عمده بر نکات مطرح شده در این سند وجود داشت که ادبیات به‌کاررفته در این سند، از صراحت لهجه برخوردار نبوده و نقدهایی از سوی تکامل‌گرایان به آن وارد شده است و ازاین‌رو نمی‌تواند مرجعی نهایی در بحث‌های تکاملی دوران معاصر محسوب شود، و ازاین‌رو عملاً حجیت بیانیه‌های این سند را با چالش مواجه نمودند (مونتی، ۱۹۹۷، ص ۱۵۲؛ همچنین ر.ک: انکربرگ، ۲۰۰۹، ص ۷۲).

علاوه بر آن، اینکه مفاد نکاتی که در قسمت عصمت پاپی مصوبات شورا تدوین شده بود، آن‌قدر کلی و مبهم بود که کلیسا را با چالش‌ها و سؤالات مهمی (همچون این سؤال که آیا پاپ‌هایی که از ابتدای شکل‌گیری کلیسا تاکنون به این مقام دست یافته‌اند، از عصمت برخوردار نبوده‌اند؟) درگیر نمود. ازاین‌رو حجیت تعالیم این شورا خدشه‌دار شد (مونتی، ۱۹۹۷، ص ۱۵۲).

علاوه بر نکات فوق، باید به این نکته نیز اشاره نمود که مصوبات این شورا، برخلاف کتاب‌های مهم تکاملی آن دوره ـ مانند کتاب ***شواهد جایگاه انسان در طبیعت*** (۱۸۶۳)، اثر *هاکسلی*؛ ***داستان طبیعی خلقت*** (۱۸۶۸)، نوشته *هاکل*؛ و ***تبار انسان*** (۱۸۷۱)، اثر *چارلز داروین* ـ که مورد استقبال بسیار قرار می‌گرفتند، تا چند سال بعد از توقف شورا به مرحله چاپ و نشر نرسید، و در نتیجه تأثیرگزاری مطلوبی به دنبال نداشت (چابرک، ۲۰۱۵، ص ۶۱).

۳ـ۲. بررسی نشریه تمدن کاتولیک

با وجود تمام نکاتی که درباره این نشریه گفته شد، تکامل‌گرایان ـ به‌ویژه تکامل‌گرایان خداباور ـ مطالب مندرج در این نشریه را به راحتی نادیده می‌گرفتند. علت این نکته نیز به خود کلیسای واتیکان برمی‌گردد؛ زیرا گرچه این نشریه رابطه ویژه‌ای با مقر پاپی داشت، لیکن هیچ‌گاه به‌عنوان نماینده رسمی کلیسای کاتولیک ـ سخنگوی کلیسای کاتولیک ـ معرفی نشد و همچنین هرگز نتوانست متنی مکتوب در محکومیت تکامل‌گرایی از جانب واتیکان ـ با وجود تلاش زیاد برای انجام این کار ـ دریافت کند (بلنکه، ۲۰۱۳).

نتیجه‌گیری

در کنار شکل‌گیری تحولات گوناگون اجتماعی و سیاسی در قرن نوزدهم میلادی، جریانات علمی نیز روزبه‌روز در حال پیشرفت بود. با انتشار کتاب ***منشأ انواع*** *چارلز داروین* و تبیین رویکردی تکاملی به موضوع خلقت، به‌ویژه نحوه شکل‌گیری نسل بشر، سه اقدام مهم در جامعه مسیحیان کاتولیک به وقوع پیوست:

ـ تشکیل شورای استانی کلن به رهبری *کاردینال فون گایسل* و حمایت و تمجید پاپ معاصر، *پیوس نهم*، از این شورا و مصوبات آن، اولین اقدام مهم مسیحیان پس از انتشار کتاب *داروین* بود، لیکن خدشه‌هایی که به اعتبار این شورا و همچنین صراحت لهجه مصوبات آن وارد شد، سبب گردید تا به مرور زمان این شورا و مصوبات آن از اذهان ایمان‌داران کاتولیک محو شود.

ـ برگزاری شورای اول واتیکان به‌مثابه دومین اقدام رسمی کلیسا می‌توانست پاسخ صریحی در قبال جریان تکامل‌گرایی باشد. اما ادعاهای مطرح‌شده از سوی تکامل‌گرایان خداباور درباره تناقض نداشتن مصوبات این شورا و نظرات تکامل‌گرایان خداباور، در کنار ادبیات بیش از حد عام مطرح شده در اسناد این شورا، و همچنین تأثیرات فضای سیاسی ـ نظامی شکل‌گرفته بر آن برهه زمانی در کنار کم‌کاری‌های صورت‌گرفته در روند انتشار به‌موقع اسناد شورا، تأثیرگزاری مصوبات آن در آینده الهیات کاتولیک را تحت‌الشعاع قرار داد.

ـ سومین اقدام مهمی که شخص پاپ از آن حمایت نمود، انتشار نشریه علمی ***لاسیویلتی کاتولیکا*** در حمایت از آموزه الهیاتی کلیسای کاتولیک بود. اما به‌رغم تلاش‌های گسترده مسئولان نشریه برای اخذ نمایندگی رسمی از نهادهای رسمی کلیسای کاتولیک و همچنین دریافت متنی مکتوب از کلیسا در محکومیت تکامل‌گرایی، موفق به انجام این‌کار نشد.

به نظر می‌رسد با وجود اقدامات صورت‌گرفته در سال‌های اولیه مطرح شدن رویکرد «تکامل‌گرایی»، هیچ‌یک از اقدامات صورت گرفته نقش مؤثری در الهیات بعدی کلیسای کاتولیک نداشته است. البته گرچه تاکنون کلیسای کاتولیک ـ به‌ظاهر ـ از جریان تکامل‌گرایی حمایت رسمی نکرده، ولی نقد صریح و رسمی نیز از سوی نهادها و جریانات رسمی کلیسا صورت نگرفته است، بلکه بعکس شواهد متعددی از اظهار تمایل شخصیت‌های برجسته کلیسایی، همچون پاپ‌ها و الهی‌دانان مشهور، در تأیید تکامل‌گرایی و یا ـ دست‌کم ـ منافات نداشتن رویکرد تکامل‌گرایانه با الهیات کاتولیک را می‌توان از سال ۱۹۵۰ میلادی به این سو برشمرد.

منابع

کتاب مقدس (ترجمه قدیم)، ۱۳۸۴، تهران، اسماء.

Allen, Jeffrey A, 2012, ***Faith and Reason in the First Vatican Council's Dei Filius" and the Writings of Bernard Lonergan***, PhD diss., University of St. Michael's College.

----- , 2016, "A Commentary on the First Vatican Council's Dei Filius", ***Irish Theological Quarterly***, N. 81.2, p. 138-151.

Ankerberg, John, John Weldon, and Dillon Burroughs, 2009, ***The Facts on Roman Catholicism***, Harvest House Publishers.

Arnold, Claus, 2010, "Internal Church Reform in Catholic Germany", ***The Churches***, p. 159-184.

Artigas, Mariano, et al, 2006, ***Negotiating Darwin: the Vatican Confronts Evolution, 1877–1902***, JHU Press.

Blancke, Stefaan, 2013, "Catholic Responses to Evolution, 1859–2009: Local Influences and Mid-Scale Patterns", ***Journal of Religious History***, N. 37, p. 353-368.

Brundell, Barry, 2001, "Catholic Church politics and evolution theory, 1894–1902", ***The British Journal for the History of Science***, N. 34.1, p. 81-95.

Carson, Thomas, and Joann Cerrito, 2003, "The New Catholic Encyclopedia", V. 5, ***Gale***, Washington DC, USA.

Chaberek, Michael, 2015, ***Catholicism & Evolution: A History from Darwin to Pope Francis***, Angelico Press, USA.

Chaberek, Michael, and Rômulo Carleial, 2022, "Human Origins Revisited: On the Recognition of Rationality and the Antiquity of the Human Race", ***Studia Gilsoniana***, N. 11, p. 249-287.

Dahl, José David Lebovitch, 2003, "The role of the Roman Catholic Church in the formation of modern anti-semitism: La Civiltà Cattolica, 1850-1879", ***Modern Judaism***, N. 23.2, p. 180-197.

Darwin, Charles, 1909, ***The Origin of Species***, New York, PF Collier & Son.

Flaman, Paul JP., 2016, "Evolution, the origin of human persons, and original sin: Physical continuity with an ontological leap", ***The Heythrop Journal***, N. 57, p. 568-583.

Harrison, Brian W., 2001, "Early Vatican responses to evolutionist theology", Living tradition, ***Organ of the Roman Theological Forum***, V. 93, p. http://www.rtforum.org/lt/lt93.html

Heft, James L, 2008, "Evolution and Catholicism: A Few Modest Proposals", ***Horizons***, N. 35, p. 203-227.

Hess, Peter MJ, and Paul L. Allen, 2008, ***Catholicism and Science***, Greenwood Press.

Holt, Niles. R, 1971, "Ernst Haeckel's monistic religion", ***Journal of the History of Ideas***, N. 32(2), p. 265-280.

Klumpenhouwer, Samuel, 2011, "Early Catholic Responses to Darwin's Theory of Evolution", ***Saeculum Undergraduate Academic Journal***, N. 7.1, p. 30-47.

Kung, Hans, 2008, ***the Beginning of All Things: Science and Religion***, Wm, B. Eerdmans Publishing.

Logan, Oliver, 2004, "A Journal. La Civiltà Cattolica from Pius IX to Pius XII (1850-1958) 1", ***Studies in Church History***, N. 38, p. 375-385.

Manning, Henry Edward, 1871, ***the Vatican Council and Its Definitions: A Pastoral Letter to the Clergy***, D. & J. Sadlier.

Messenger, Ernest C., 1932, ***Evolution and Theology: The Problem of Man's Origin***, Macmillan.

Monti, James, 1997, ***The King's Good Servant but God's First: The Life and Writings of Saint Thomas More***, Ignatius Press.

Morrison, John Lee, 1951, ***A History of American Catholic Opinion on the Theory of Evolution, 1859-1950***, University of Missouri-Columbia.

Nieminen, Petteri, 2015, ***A Unified Theory of Creationism: Argumentation, Experiential Thinking and Emerging Doctrine***, Diss, Itä-Suomen yliopisto.

Phy-Olsen, Allene, 2010, ***Evolution, Creationism, and Intelligent Design***, ABC-CLIO.

Romeiras, Francisco Malta, 2019, ***Jesuits and the Book of Nature: Science and Education in Modern Portugal***, Brill, Boston.

Ruse, Michael, Ed, 2013, ***The Cambridge Encyclopedia of Darwin and Evolutionary Thought***, Cambridge, Cambridge University Press.

Wolters, Gereon, 2009, "The Catholic Church and Evolutionary Theory: A Conflict Model", ***Pontifical Academy of Sciences***, Acta 20, p. 450-470.

Zahm, John Augustine, 1896, ***Evolution and dogma***, D. H. MCBRIDE & CO, Chicago.